



یادگیری از موفقیت‌ها

شقایق بهرامی

تصویرگر: میثم موسوی

در بسیاری از جلساتی که معلمان و کارکنان آموزشی، با هدف بهبود کارشان، برگزار می‌کنند، به بررسی مسائل می‌پردازند. آنچه گاهی در این میان فراموش می‌شود، موفقیت‌هایی است که گاهی کسب شده‌اند. چارچوب گفت‌وگوی تحلیل موفقیت ساختاری است برای یاد گرفتن از تجربه‌هایی که به خوبی پیش رفته‌اند و بررسی اینکه چه اصول و ایده‌هایی در آن تجربه‌ها وجود دارند که می‌توانند برای موفقیت در فضاهای دیگر نیز به کار گرفته شوند.

بعد از هر چند جلسه، خوب است یک جلسه تحلیل موفقیت نیز داشته باشید، چون گفت‌وگو در این چارچوب، علاوه بر فراهم کردن فرصتی دیگر برای یادگیری گروهی، با یادآوری نقاط قوت، انگیزه گروه را برای ادامه مسیر حفظ می‌کند. با کمک این چارچوب می‌توانید هم تجربه‌های معلمان با تجربه را به گروه بیاورید و هم توجه و اعتماد گروه را به کار خوب معلمان تازه‌کار جلب کنید. هر چند بهترین کارها هم می‌توانند با بازخورد مؤثر بهبود یابند، هدف ما در این گفت‌وگو چنین چیزی نیست. لازم است در این جلسه فقط و فقط درباره ابعاد مثبت کاری که ارائه شده صحبت شود.

مثال‌های مورد استفاده در این نوشته، از جلسه‌ای که در تاریخ ۲۱ خرداد ۹۷ برگزار شد، انتخاب شده است. در این جلسه، معلم زیست‌شناسی متوسطه دوم طرح درس موفق را که برای آموزش مبحث تقسیم سلولی آماده و اجرا کرده بود، برای ارائه به گروه آورد.

۱

آغاز (۳-۵ دقیقه)

■ مثل همیشه، گرداننده جلسه چارچوب گفت‌وگو را مرور، ارائه‌دهنده را معرفی و اطمینان حاصل می‌کند که مستندساز برای ثبت جلسه آماده است.

۳

پرسیدن سؤالات شفاف‌ساز (۳ دقیقه)

■ اعضای گروه درباره جزئیات موفقیت سؤالاتی شفاف‌ساز می‌پرسند تا خلأهای اطلاعاتی را که برای فهم موضوع نیاز دارند، پر کنند.

■ طول هر فیلم چقدر بود؟ تقریباً دو دقیقه.

■ آیا برای بعد از کلاس هم تکلیفی وجود داشت؟ بله، فیلم‌ها را جایی در دسترس همه قرار دادم. هر کس باید برای سلولی با عدد کروموزومی به انتخاب خودش، تقسیم سلولی را رسم می‌کرد.

۲

توصیف موفقیت (۵-۸ دقیقه)

■ ارائه‌دهنده داستان موفقیتش را با جزئیات می‌گوید. اعضای گروه یادداشت برمی‌دارند و اگر ارائه‌دهنده کاری با خودش آورده باشد، نمونه‌ها را بررسی می‌کنند.

■ «سال‌های قبل من تقسیم سلولی را به شیوه سنتی درس می‌دادم. به این صورت که مرحله به مرحله را پای تخته می‌کشیدم و توضیح می‌دادم. بعد بچه‌ها تمرین‌هایی حل می‌کردند.

■ چند وقت پیش این طرح درس را تغییر دادم. اول توضیح دادم که هدف از تقسیم سلولی چیست. بعد یک انیمیشن درباره تقسیم سلولی نشان دادم. به بچه‌ها گفتم این فیلم را هر چند بار خواستید ببینیم. انیمیشن به زبان انگلیسی بود و زیرنویس داشت. بار اول بیشتر بچه‌ها فقط فرایند کلی را فهمیدند. بار دوم شاید جزئیات

بیشتری متوجه شدند. بار سوم گفتم، اگر متوجه فرایند شدید، به معادل انگلیسی کلمات توجه کنید. بار چهارم، بعد از هر مرحله، فیلم را نکه می‌داشتم و از یک دانش‌آموز می‌خواستم مرحله بعد را توضیح دهد. در آخر، سلولی با عدد کروموزومی متفاوتی تعریف کردم و از بچه‌ها خواستم مراحل تقسیم سلولی را رسم کنند. همه موفق شدند.

■ تقسیم میوز را هم با انیمیشنی دیگر به همین شیوه نمایش دادم. اولین سؤالی که این بار، بعد از چند بار دیدن فیلم پرسیدم این بود: تفاوت‌ها و شباهت‌های تقسیم میوز با تقسیم میتوز چیست؟ بعد پرسیدم: چه شد که این تفاوت‌ها ایجاد شد؟ سپس سلولی با عدد فرد دادم و خواستم مراحل میوز را برایش بنویسند.»

۴

بازاندیشی درباره داستان موفقیت توسط اعضای گروه (۱۰ دقیقه)

■ سؤالات در سلسله‌مراتبی عمیق شوند قرار گرفته بود و به ترتیب سطوح شناختی متفاوتی را پوشش می‌داد.

■ اینکه به بچه‌ها گفته شد می‌توانند هر چند بار که بخواهند، ببینند، در همان ابتدا احساس امنیت ایجاد کرد.

■ یادگیری بچه‌ها ابتدا در طول کلاس به‌طور گروهی ارزیابی شد، اما در ادامه، به‌طور فردی هم ارزیابی شدند و معلم مطمئن شد همه یاد گرفته‌اند.

■ اعضای گروه درباره آنچه از ارائه‌دهنده شنیده‌اند بحث می‌کنند. ویژگی‌هایی از کار را که باعث موفقیت‌آمیز بودن آن شده است برمی‌شمارند و تحلیل‌های تازه‌ای از آن ارائه می‌دهند. در طول این مرحله، ارائه‌دهنده ساکت است و یادداشت برمی‌دارد.

۵

بازاندیشی معلم ارائه‌دهنده (۲-۳ دقیقه)

■ ارائه‌دهنده با مرور یادداشت‌هایش از بحث گروه، چیزهایی را که برایش جالب بوده و او را به فکر برده‌اند، مشخص می‌کند.

■ برایم جالب بود که اشاره کردید سؤالات فیلم دوم در سطح شناختی بالاتری بودند. من فقط می‌خواستم

سؤالات تکراری نباشند، اما اتفاقی که در عمل افتاد، همین بود که گفتید.

■ این را که هر چند بار بخواهید فیلم را پخش می‌کنم، به‌طور ناخودآگاه گفتم. اما درست است و می‌تواند باعث آرامش خاطر بچه‌ها شود. باید حواسم به حرف‌هایی که می‌زنم و تأثیری که روی بچه‌ها دارند، باشد.

۷

بازبینی فرایند (۵ دقیقه)

■ گرداننده جلسه گفت‌وگوی کوتاهی را درباره فرایند جلسه هدایت می‌کند: این چارچوب چه کار کردی برایمان داشت؟ چه مواردی به خوبی کار کردند؟ چه چیزهایی را باید در دفعات بعدی تغییر دهیم؟ ■ این چارچوب یادآوری بسیار خوبی بود.

۶

بحث گروهی درباره کاربردهای این گفت‌وگو در کار آینده (۱۰-۱۵ دقیقه)

■ همه اعضای گروه (شامل ارائه‌دهنده) به اختصار می‌گویند که آنچه در این جلسه یاد گرفته‌اند چگونه می‌تواند در کارشان در آینده به کار بیاید.

■ وقتی قرار است چیزی را به‌طور

مستقیم درس بدهم، شاید کسی قبلاً بهتر از من آن را درس داده باشد؛ می‌توانم در چنین موقعیت‌هایی از محتوای آماده استفاده کنم.

■ البته باید دقت کنم که فیلم یا انیمیشن بیشتر وقت‌ها فقط می‌تواند دانش یا اطلاعاتی را منتقل کند.

می‌شدند. ■ اگر می‌گفتم کار خوبی بود ولی اگر فلان کار را هم می‌کردی بهتر هم می‌شد، در جمع این حس خوب را ایجاد نمی‌کرد. فکر می‌کنم اگر پیشنهادی هم باشد و راهی برای بهتر کردن باشد، خود ارائه‌دهنده به آن می‌رسد.

بعد از چند جلسه که درباره مسائل حرف زدیم، نیاز داشتیم یادمان بیاید کارهای خیلی خوبی هم انجام داده‌ایم. ■ من فکر می‌کنم در این جلسه مدام در حال یادگیری بودیم. اتفاقات خوبی که افتاده بود، مدام شفاف می‌شدند. به آن‌ها آگاه می‌شدیم و با بلند گفتن ملکه ذهن